

اصول اساسی نوشتن

گفتیم که زبان وسیله‌ای برای بیان مقصود یا رساندن پیام است و از این منظر به سه گونه تقسیم می‌شود: زبان علمی، زبان عام و زبان ادبی.

۱. زبان علمی

زبان علمی زبانی است که از آن برای انتقال مفاهیم علمی در قالب مقاله و کتاب استفاده می‌کنیم. این زبان ویژگی‌هایی دارد؛ از جمله:

- شفاف، روشن، بی‌حاشیه، ساده و بی‌تکلف و تعارف است.

- پیچیدگی، تنافر و ابهام در آن راه ندارد؛ چرا که این عناصر بر سر راه انتقال پیام و رساندن مفهوم مانع ایجاد می‌کنند.

- از آرایه‌های ادبی و بدعت‌ها و نوآوری‌های کلامی تا حد ممکن بهره نمی‌گیرد و اگر بهره ببرد، برای توضیح و پشتیبانی موضوع اصلی است نه اینکه خود، اصل موضوع باشد.

- از لفاظی، بیان احساسات و تعارف‌ها، داوری و جانب‌داری به دور است؛ در آن همه‌چیز بر پایه استدلال قرار دارد و هیچ کلام و مفهومی بی‌دلیل بیان نمی‌شود.

- به لحاظ منطقی مبتنی بر صدق و اعتبار است؛ یعنی از عناصری بهره می‌گیرد و اطلاعاتی را در اختیار مخاطب قرار می‌دهد که می‌بایست صحت و روایی داشته باشند و در عین حال، به‌گونه‌ای مستند بیان شوند که مخاطب آن‌ها را بپذیرد. پس اصل بر این است که آنچه در یک گفت‌وگو یا متن علمی مطرح می‌شود، پیش از طرح، تجربه و آزمایش شده و صحت آن تأیید گردیده است.

- دایره واژگانی خاصی دارد؛ در واقع، زبان علمی ضمن استفاده از همه امکانات زبان، از واژگان خاصی نیز بهره می‌گیرد که ممکن است در عین یکسان بودن، در علوم مختلف معانی و مصداق‌های متفاوتی داشته باشند.

۲. زبان عام یا زبان محاوره

از این زبان برای برقراری ارتباط‌های روزمره استفاده می‌شود. از آنجا که عامه مردم از آن بهره می‌برند، دریچه‌ای است که به روی فرهنگ هر جامعه گشوده می‌شود و با بررسی آن می‌توان به اطلاعات درخور توجهی از فرهنگ جوامع دست یافت. زبان عام یا محاوره در درون خود تقسیم‌بندی‌های متعددی نیز دارد که در این نوشتار فرصت پرداختن‌ها به آن‌ها نیست.

ویژگی‌های زبان عام روشنی و وضوح، سراسر بودن، مفید نبودن به چارچوب‌های منطقی، درازه‌گویی، عمومیت داشتن، استفاده از ضرب‌المثل و تخیل و طنز است.

۳. زبان ادبی

این زبان که از آن برای خلق آثار ادبی همچون شعر، داستان، قطعه‌های ادبی، نمایش‌نامه و فیلم‌نامه استفاده می‌کنند، زبانی است پیچیده و رمزآلود و پر از صورت‌های خیال. از این رو، غالباً پیام آن به‌راحتی دریافت نمی‌شود و مخاطب باید از رمز و رازهای زبان ادبی آگاه باشد تا بتواند پیام را به‌درستی دریافت و رمزگشایی کند. زبان ادبی از اسطوره، تاریخ، صنایع ادبی، ابداعات و ابتکارهای زبانی، و تخیل و خلاقیت بهره می‌گیرد. در عین حال، همچون زبان علم دایره واژگانی خاصی دارد.

ویژگی‌های زبان ادبی عبارت‌اند از:

– بهره‌گیری از تخیل و خلاقیت: در آثار ادبی عناصر و شخصیت‌ها بر ساخته ذهن نویسنده یا شاعرند و او آن‌ها را با تکیه بر تخیل و قوه خلاقه خویش می‌سازد. در واقع، مخاطب این‌گونه آثار در جریان تخیل قرار نمی‌گیرد بلکه حاصل فرایند تخیل و خلاقیت نویسنده را در قالب شخصیت‌ها، عناصر و فضا و خط داستانی دریافت می‌کند.

– استفاده از آرایه‌های ادبی: زبان ادبی از آرایه‌هایی چون استعاره، کنایه، ایهام، تشبیه و مجاز فراوان استفاده می‌کند. به این وسیله از دنیای واقعی فاصله می‌گیرد و مخاطب را نیز با خود به دنیای برساخته ذهن نویسنده یا شاعر می‌برد.

– تنوع: زبان ادبی از تنوع به شکل چشمگیری بهره می‌برد. این تنوع نه تنها در عرصه زبان و استفاده از ظرفیت‌های عظیم واژگانی است بلکه به مفهوم و قالب نیز تسری پیدا می‌کند. زبان ادبی از عناصر واقعی به سبک خود بهره می‌گیرد؛ برای مثال، حس‌ها را درهم می‌آمیزد و کاری می‌کند که مخاطب به جای دیدن نشانه‌های بهار، بوی آن را احساس کند و صدای پایش را بشنود. در عین حال، با هنجارگریزی‌های زبانی و شکستن چارچوب‌های معمول جذابیت پیدا می‌کند و منحصر به فرد می‌شود. ویژگی دیگر، طرح درون مایه‌های یکسان در قالب‌های متنوع است که زبان ادبی از آن به ظرافت استفاده می‌کند.

هفت اصل اساسی نوشتن

هفته پیش طبق عادت به کتاب‌فروشی ثالث واقع در خیابان کریم‌خان زند سرزدم و به محض ورود، در یکی از قفسه‌های سمت چپ فروشگاه چشمم به کتاب «اندر آداب نوشتار» اثر **جعفر مدرس صادقی** افتاد. همان‌جا ایستاده کتاب را ورق زدم. کتاب حاوی بایدها و نبایدهای نگارشی و اطلاعاتی ارزشمند در این حوزه است که البته استاد با شیوه بیان دلچسب و طنز هوشمندانه خود به آن شیرینی خاصی بخشیده است. در بخش آخر این کتاب، مدرس صادقی چکیده‌ای از «هفت اصل اساسی نوشتن» از **ویلیام استرانگ** (۱۸۶۹-۱۹۴۶) و «چهارده اصل نوشتن» از **الوین بروک وایت** (۱۸۹۵-۱۸۹۹)، هر دو استادان ادبیات دانشگاه کورنل آمریکا، را گنجانده است.

جذابیت راهکارهای یاد شده مرا به جست‌وجوی بیشتر واداشت. در مراجعه به وبگاه bartleby به نشانی اینترنتی www.bartleby.com به خلاصه‌ای جامع از کتاب «عناصر سبک»^۱ اثر ویلیام استرانگ برخوردم. این کتاب که نخستین بار در سال ۱۹۱۸ به چاپ رسیده، حاوی نکات درخور توجهی درباره نوشتن است. استرانگ در این کتاب هجده اصل اساسی نوشتن را معرفی می‌کند که نه مورد آن

به عناصر دستوری و ساختاری زبان انگلیسی و نیز علائم سجاوندی اختصاص دارد و نه مورد به چگونگی نوشتن. از میان نه اصل مربوط به نوشتن، هفت اصل با زبان فارسی نیز قابل انطباق است که آن‌ها را ترجمه کرده‌ایم و به‌طور خلاصه به شما خوانندگان علاقه‌مند معرفی می‌کنیم. درباره چهارده اصل الوین بروک وایت نیز در شماره آینده سخن خواهیم گفت.

۱ بند (پاراگراف) را واحد نگارش قرار دهید.

هر بند برای یک موضوع. اگر حجم مطلبی که می‌خواهید بنویسید کم است یا قصد دارید آن را کوتاه بنویسید، نیازی به تقسیم کردن آن به چند موضوع ندارید. بهترین قالب برای بیان یک توصیف کوتاه، خلاصه کوتاهی از یک اثر ادبی و شرح کوتاه یک حادثه واحد، قرار دادن آن‌ها در یک بند یا پاراگراف است. بعد از اینکه این بند را نوشتید، آن وقت بررسی کنید که آیا برای گسترش آن به زیرمجموعه‌ها یا تقسیم‌بندی‌هایی نیاز دارید یا نه. اضافه کردن هر پاراگراف به متن به خواننده نشان می‌دهد که قدم تازه‌ای در توسعه موضوع نوشته برداشته شده یا نویسنده به مرحله جدیدی رسیده است.

به یاد داشته باشید که بندهای یک نوشته در واقع اسکلت آن هستند و هر بند باید با بند پیشین و پسین خود ارتباط تنگاتنگ داشته باشد. این ارتباط نه فقط از نظر ساختاری بلکه به لحاظ انسجام و وحدت کلامی و محتوایی نیز هست. اگر بند بخشی از یک نوشته طولانی باشد، ممکن است لازم باشد ارتباط آن را با آنچه بعد از آن می‌آید، توضیح دهیم. این کار گاهی با استفاده از تنها یک کلمه یا عبارت مانند «بنابراین» یا «درست به همین دلیل» در جمله اصلی^۲ مقاله صورت می‌گیرد. گاهی نیز مصلحت آن است که جمله اصلی را با یک یا چند جمله دنبال کنیم. چنین جمله‌هایی که نقش آن‌ها برقراری ارتباط میان بخش‌های یک نوشته است، «جمله‌های انتقالی» نامیده می‌شوند. جمله‌های انتقالی را می‌توانیم در قالب‌بندی‌های جدا و مستقل از هم بیآوریم. «با توجه به آنچه گفته شد» و «از مطلب پیش گفته می‌توانیم نتیجه بگیریم که...» نمونه‌هایی از جمله‌های انتقالی هستند.

۲ هر بند را با یک جمله اصلی مرتبط با موضوع شروع کنید و مطابق و هماهنگ با آن جمله به پایان ببرید.

طرح دوباره موضوع به خواننده کمک می‌کند تا هدف هر بند را کشف کند. فراموش نکنید که مفیدترین نوع بند به‌ویژه در گزارش، تفسیر و بحث، بندی است که:

– جمله یا حکم اصلی نوشته در آغاز آن بند یا نزدیک به آن می‌آید.

جمله‌های بعدی آن، عبارتی را که در جمله یا حکم اصلی نوشته آمده است، توضیح می‌دهند، می‌سازند یا توسعه می‌دهند. در واقع، هر جمله پشتیبان جمله قبل از خود و بستر ساز جمله بعدی است.

آخرین جمله آن بر ایده جمله یا حکم اصلی نوشته تأکید می‌کند یا نتایج و برایندهای مهم آن را مورد توجه قرار می‌دهد. توجه داشته باشید که باید از تمام کردن بند با موضوعی غیر مرتبط با مسئله اصلی نوشته و به‌ویژه جزئیات بی‌اهمیت خودداری کرد.

۲ از فعل معلوم استفاده کنید.

فعل معلوم سراسر تر و واضح‌تر از فعل مجهول است و برای بیان مطالب علمی تأثیر گذاری بیشتری دارد.

۱. فعل معلوم: سرخرگ‌ها خون را از قلب به بخش‌های گوناگون بدن می‌برند.

۲. فعل مجهول: خون به وسیله سرخرگ‌ها از قلب به بخش‌های گوناگون بدن برده می‌شود.

همان‌طور که می‌بینید، جمله اول مستقیم‌تر، صریح‌تر، روشن‌تر، فشرده‌تر و اقتصادی‌تر است. فاعل آن نیز کاملاً مشخص و مفهوم جمله کاملاً روشن است و در مجموع، قطعیت بیشتری را به خواننده القا می‌کند. در حالی که جمله دوم سراسر است و درک آن با تأمل ممکن می‌شود. در عین حال طولانی‌تر از جمله اول است و در آن تشخیص دادن مهم‌ترین عنصر جمله دشوارتر به نظر می‌رسد. البته آنچه گفتیم به معنای منع استفاده از فعل مجهول نیست. کاربرد صورت مجهول فعل هم از امکانات زبان است که می‌توانیم از آن بهره بگیریم، اما طبق ضرورت و در صورت اقتضای متن.

۳ تا حد امکان، جمله‌ها را با فعل مثبت بیان کنید.

بگویید هر چیزی چه چیزی هست، نه اینکه چه چیزی نیست؛ مثلاً به جای جمله:

«اغلب اوقات سر وقت نمی‌آمد» بگویید: «معمولاً دیر می‌آمد».

فعل منفی فعل مثبت

در جمله‌هایی که فعل منفی دارند، لحن زبان بی‌روح، مردد و محافظه کارانه است. از کلمه «نه» به عنوان وسیله‌ای برای رد و نفی یا تضاد و تقابل استفاده کنید نه به مثابه عاملی برای طفره رفتن و جواب دوپهلوی دادن.

۴ کلمه‌های بی‌استفاده را حذف کنید.

نوشته‌های جدی و تأثیرگذار غالباً کوتاه و فشرده‌اند. همه کلمه‌های اضافی را دور بریزید. مطمئن باشید نوشته‌ای کارساز است که فشرده باشد و اجزای آن درهم تنیده و مرتبط باشند. حتی یک کلمه اضافی هم نداشته باشید. یادتان باشد که با حساب و کتاب از

کلمه‌ها استفاده کنید و هیچ‌گاه برای اینکه جمله‌تان به اصطلاح «لقی زنده»، کلمه‌ای را به زور در آن جا ندهید. درست همان‌طور که طرح یا نقاشی هیچ خط اضافه‌ای ندارد و در هیچ ماشینی نمی‌توانید یک قطعه اضافه پیدا کنید، در نوشته شما هم نباید کلمه یا جمله زائدی وجود داشته باشد. یادتان باشد که هر کلمه‌ای کاری انجام می‌دهد؛ یعنی یا در ترکیب جمله کارکرد و نقشی دارد (فاعل، مفعول، متمم و...) یا در مفهوم و ساختار واژگانی آن. البته این بدان معنا نیست که باید همه جمله‌ها پتان را کوتاه کنید یا اینکه همه جزئیات را کنار بگذارید، بلکه منظور این است که نه پرگویی کنید و نه سروته جمله‌ها را بریزید.

داستان زندگی او داستانی عجیب و غریب است. ← داستان زندگی او عجیب است.

بی‌شک، گیاهان و سبزی‌ها بدون وجود خورشید عالم‌تاب و نور گرم و زندگی بخش آن نمی‌توانند به حیات خود ادامه دهند. ← گیاهان بدون نور خورشید نمی‌توانند زندگی کنند.

۵ کلمه‌های مربوط به هم را در کنار یکدیگر قرار دهید.

قرار دادن کلمات در یک جمله و در جای مناسب، راه اصلی نشان دادن ارتباط آن‌ها با یکدیگر است. نویسنده باید تا حد ممکن کلمه‌ها یا گروه کلمه‌هایی را که با هم ارتباط تنگاتنگ دارند، در کنار یکدیگر قرار دهد. برای مثال، عبارتی که می‌توانیم آن را به جای دیگری در جمله منتقل کنیم یا به شکل جمله‌ای مستقل بیاوریم، تا حد امکان نباید بین فاعل و فعل اصلی جمله مان فاصله بیندازد. به مثال زیر توجه کنید.

«برشت در آخرین اثر خود که اغلب آن را خوانده‌ایم و تفسیرهای زیادی نیز درباره آن منتشر شده است، به نقل از شاهدی عینی که خود در جلسه مناظره میان... و... حاضر بوده است، مطالبی را نقل می‌کند که در صحت آن‌ها می‌توان تردید کرد.

همان‌طور که در جمله پیچیده بالا می‌بینید، جمله «برشت در آخرین اثر خود مطالبی را نقل می‌کند که در صحت آن‌ها می‌توان تردید کرد» جمله اصلی است، اما در میان انبوهی از اطلاعات فرعی پنهان شده است. در بسیاری موارد می‌توان جمله‌های معترضه را که در قالب متمم یا عبارات‌های توضیحی و وصفی در جمله بیان می‌شوند، حذف کرد یا در صورت لزوم، آن‌ها را به صورت جمله‌های مستقل آورد.

۶ در خلاصه‌نویسی، یک زمان مشخص را در سراسر متن خود حفظ کنید.

خلاصه اغلب کتاب‌ها را می‌توان در جملاتی به زمان حال بیان کرد، اما اگر قصد دارید خلاصه یک کتاب را به زمان گذشته بیان کنید، حتماً هماهنگ بودن فعل‌ها و یکدستی آن‌ها را در تمام اثر رعایت کنید.